

درین جریده از هر گونه علوم و وقایع سراسی
و منافع دولتی و فرواند ملی بخت میشود
از وزراء و اعیان دولت بقدر
معارف دوستی شان

برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی
و معاونین و وقایع نکاران (ضخیری)
رایگان
از عموم خردگران در داخله
(۱۲) روبیه کابلی در خارجہ
بیم بود انگلیسی با مخصوص بود
از طلاب و محصلین نصف قیمت

شهاہ
داخلہ خارجہ
(۸) روبیه (۷) شلنگ

درین جریده از هر گونه علوم و وقایع سراسی
و منافع دولتی و فرواند ملی بخت میشود

از وزراء و اعیان دولت بقدر

معارف دوستی شان

برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی

و معاونین و وقایع نکاران (ضخیری)

رایگان

از عموم خردگران در داخله

(۱۲) روبیه کابلی در خارجہ

بیم بود انگلیسی با مخصوص بود

از طلاب و محصلین نصف قیمت

شهاہ

داخلہ خارجہ

(۸) روبیه (۷) شلنگ

امان و معاف

۷ م ۱۳۰۴

از ابتدای وطن هر که اهل بدهد شد بدون خواهش

جریده رایش فرستاد. میشود

—
—
—

قیمت بیک شهاره بیکعباسی

الا اآنها

ده افغانستان کابل

سر دیر

سید محمد قاسم

مه امورات نخری به بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقامات

وارده مختار است

در هر هفته یکبار نشر میشود

اور اپیک درج نشود اعاده نمیشود

نارنج شمسی (۱۱) حوت ۱۳۰۲ هجری تاریخ فری (۲۶) رجب سنه (۱۳۴۲) هجری

فهرست مقالات

- ۱ ششمین جشن جلوس با استقلال اعلیحضرت غازی، و قصیده در تهیت - ۴ برطانيا و مصر -
- ۲ پیامبرة جامعه اسلامیه ایران - ۴ اخلاقیات: اعتیادات - ۵ غایت ایجاد انسان -
- ۳ حوالات خارجیه - ۷ اصلاح و تهدیب جنایت کاران در امان - ۸ اعلان -

یک روز قبل از روز نهم حوت که روز جهار شنبه (۲۱) رجب سنه (۱۳۴۲) هجری
رجب بود از طرف مالیق دندر جلالات مآب شاغامی حضور
اعلیحضرت، تمام اعیان و بزرگان و مشاهیر شهر کابل و نواحی
قریب آن و اعضای سفارتها و مستخدمندان خارجہ برگزاری جشن
جلوس میامن مانوس با استقلال اعلیحضرت بلند اقبال قصر
دلکشا دعوت شده بودند. روز مذکور از ساعت ۸ تا ساعت
۱۰ دقیقه آور دیلو مانک یعنی تمامیه های دول اجنو
بحضور شاهانه حاضر کردند صراحت تبریک را بجا آوردند
مرخص شدند. و از ساعت ۱۱ قبل از ظهر سائر حضرات
مدعوبون وطنی به قصر دلکشا حضور به مراسم یافتند. ساعت
۱۱ و بیم بود که حضور شاهانه از اطاق مخصوص شان برآمده
روی زیست قصر دویله بلند تر استاده حاضرین با طراف شان
کرد آمدند. حضور والا باهکی خوش آمدید و احوال پرسی
نمودند. بعد حضور طالی وزیر صاحب امور خارجہ لامتحاذیل
نمودند.

را با کمال طلاقت و رشادت قرائت فرمودند.
اعلیحضرت این روز فیروز سعادت اندوز جشن
جلوس و استقلال را از طرف عموم صاحب منصبان عذرگیری و
ملکی و جمیع افراد صداقت نهاد دولت علیه افغانیه بحضور
بارگفت تبریک میکویم

(ششمین جشن جلوس با استقلال)

(اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان)

روز نهم حوت (۱۳۰۲) در تاریخ افغانستان روزی است
که آب زر و خط درشت نکاشته شده است زبان قلم از بیان
نظم این روز سعادت اندوز فاصل است. این روز همان
لاری است که اراده از لی تسبیت به زنده کی دوباره افغانستان
از مکن غب بمنصه شهود پیوسته فرشته آزادی رعیط آن
ملک بر راز نمود و اعلیحضرت امیر امان الله خان ممکن سر بر
نژاد را ای ملت افغان کردند و در حین قدم آذاردن برادر یکه
نژاده ای مصدای بلند حرارت نایک استقلال افغانستان را
گلزار اعلام نمودند. این روز میدان عظمت واستقلال افغانستان
لهماجه افتخار و جلال افغانستان است. ملت افغانستان این
روز بزرگ تاریخی را که روز نشان نایمه خود میدانند بزرگ
زین اعیاد ملی قرار داده اند و هر سال که این روز میگذرد
باید در تمام بلاد جهالس جشن و سرور العقاد میباشد. امسال
که شمشین هر روز مذکور عود میکند بقرار معمود صراحت
جهن و سرور در قصر دلکشا العقاد یافت.

ز رشته گهر حسن انتظام اور
هر وس ملک بکردن فکر نده عقد لال

نوده رای تو امروز کار فردایک
دلیل خوبی مستقبل است صورت حال

جوان دوباره شداز فیض عهد سلطنت
هر وس دهر ک عمر نبی عودهزاران سال

کرفته صفحه خیام بلند بوازی
که در هوای نشای توکرده وابرو بال

رقم طراز مدین تو کر چنین کردد
کند به تین زبان خامه فتح ملک خیال

سخن زنه نیت روز ناج بوشی است
مزد آه خامه من گل ذند بفرق مقال

چن طراز ثابت جو آشت خامه من
بکل زمین سخن حرف من شداست نهال

جود رعیا سخن از جلوس والا رفت
دل شد از پی تاریخ سر بحیب خیال

ز خامه حرف بکرسی چنین نشست آه کفت
مبارک است جلوس شه نکو اقبال

هیشه نا آه بود دور عیش موسم کل
هیشه نا آه بود عهد خرمی سرسال

به سار عیش ابد باد دور سلطنت
جهان بصر تو این بود زریع و ملال

بریطانيا و مصر
هنوز قشون بریطانيا مملکت مصر را تخلیه نکرده واز انجا

حرکت نموده
پس از سالها شمشش وزد و خورد و فدا کارپسا و جنکهای

ملیون مصر پس از مجاہدات کرانه‌های که رجال بزرگ آن

ملکت در راه استقلال و آزادی نموده و فریدهاینک برای اطمینان

مظلومیت و تعدی و قساوت بریطانيا بلند کردن و پس از حذایکه

رغلول باشی بیاره کشیده و مادرت هاینک بلندن و پاریس

برای مطالبه حقوق مصر نموده و بعد هایی که در این راه شد

بالآخره حکومت انگلیس در سه سال قبل معاہده با مصر منعقد

نموده و دران معاہده تمامیت استقلال مصر اعتراف کرده و

دولت مصر را دولت ازاد و مستقل به دیبا معرفی نمود

برطبق معاہدة من نوره حکومت مصر سیاست داخلی و خارجی

خود را در دست کرفته و همه نوع استقلال را دارا شد

فقط جزیریک انگلیسیا دران معاہده قید کرده و از پرها

امتیازی برای خود نموده نمود این بود آه دزضمن قرار

پشارتی بخلاق دهد که ساعت خوش
بهر تونک که آواز میدهد گهر بال

سپهر دور هست زسر کرفت امروز
که آشت ساغر عیش زمانه ملا مال

سقای وقت برندیک شداست عشرت خیز
که آشتی خانه آئینه کار کاه خجال

صدای خنده بکل خیز از صریر قلم
کشد چو خامه نفس غنچه را تشد

شکننه روست جهان زانساط اقبالی
رنک صفحه کازار از نیم شمال

کنون در آئینه حال میتوان کردن
جمل دلکش محظوظ حن استقبال

کرفته است جهان دور خرمی بک سر
ز ایساط جلوس شه خیجه خصال

شه جوان جوان بخت نیک تد بیری
که جرخ پر زرایش نموده کسب کمال

شده قلم رو افغان (امیر امان الله)
امین ملت و دین خسر و بلند اقبال

خچسته طالع و فیروز بخت و نیک اختیار
جهان بنام فلک رتبه و ملک تیمال

اسیر طینت پاکیزه اش صفائی گهر
فرای خلق دل آوز او نیم شمال

غبار موکب او هر یکنا سیاهی کرد
بروی شاهد جلوی مملک شد خطوط خال

کرفته ناج و نیکن پدر به استخلاف
نشسته است به بخت شمی به استقلال

نموده منزع امید عالمی سر سفر
سحاب مکر متش از ترشحات نوال

چن طرازی رای بلند پیرایش
به کل زمین تمن نشاند نازه نهال

زفیض جود نوزر خیز کل زمین امید
زرشح دست تو سر سین منزع اکمال

بدور نست که ملت خیال نازه کرفت
که هست دور خوشت نوبهار نازه خیال

اراده تو بخشن اداره چون برداخت
امور ملت افغان کرفت حسن کمال

امید خلق به حسن مال می باشد
که کرده رای نومشا ملکی حسن مال

آمدن «البی» قشون آنها از مصر حرک خواهد کرد
اکنون جندی است که (ویکوت النی) هم از لندن
سراجت وقاره وارد شده ولی هنوز انگلیسیا مصر را تخلیه
نموده اند و بهمین واسطه فریاد مصرها بلند شده و شدید استانی
اعراض را کفایه اند

عقبت پس از داد و پیداد های زیاد انگلیسیا حاضر شده اند
که قشون خود را از قاهره خارج کرده و دریک نقطه دیگر مصر
ساخته خواستند، بدین است که اینهم از همان کارهای دلکرم کنی
است که جزو دلخوشی خشک و خالی خاکه خواهد داشت و از
هین نقطه نظر ملیون مصر را شوانسته راضی و ساکن نمایند
انگلیسیا علاوه بر اینکه از تخلیه مصر خود داری کرده و
خشون خود را در آن مملکت باقی کفایه اند در سایر امور داخلی
هم دخالت نموده و همراهی بیماره را در اذیت و صدمه
انداخته اند

من جله قضیه انتخابات مصر است که پس از دسایسی آه در
اطراف آن نموده و دیدند بواسطه وجود زغلول باشا و رفاقتیش
ونفوذ کامل مشاریه نمیتوانند از این راه غلبه کرده و موفقیتی
بدست آورند و پس از اینکه مشاهده کردند که از ۶۰ نمایند
چهل و هشت نای از اینها از اتباع زغلول باشا و پسندور او انتخاب
شده ناجار در اطراف مجلس دسائی و تحریکاتی را نموده اند
انتخابات مصر بطرز عخصوص و بطور غیر مستقیم است و حالا
پس از اینکه بزحت کفایه های ولایات معین شده اند انگلیسیا
تحریک و اتفاقیک از اجتماع اینها و انتخابات و کلام اصل مجلس
جلوکاری کرده اند

دولت کنونی مصر هم بریطانيا متمایل بوده و در انتخاب
وکلاء و انعقاد مجلس نساع ورزیده و اهالی مصر را سر برداش
کرده و انتخاب و کلام را پاکروز و فردا عوول می نماید
این است که جامع سیاسی مصر بصفه در آمد و وفاده و صدری
که ریاست آن باشد زغلول باشا است رسماً از تاسیع دولت
در انتخابات شکایت پیروت نموده و جراید ملی رئیس وزرا
رایخانیات مشارکه در مقاصد ساقه خود نموده است
بعض اینها در مصر تولید و ملیون جدا خاصی تخلیه مصر را
ازشون انگلیسیا نجیده نموده اند

اگل بیان و استقامت ایستاده و اجرای مواعید انگلیس را
که خواهند و آنکه نیز استقامت نموده و باز بهمان مواعید سابق
لایحه و عوید از حزب را قشون خود داری می کنند
آنکه بود که انگلیسیا تخلیه مصر را موقوف نمایند و

بلکن النی نماینده خالی بریطانيا در مصر که اخیراً از قاهره
بلکن سفرت نموده بود می نمودند و دعوهایی دادند که بعض

قائد بزرگ ملیون مصر افتاد و فریق عمالک او در افلاط بوده
نمی تواند به عمالک اتفاقیام کنند .
مطلوب عده بروکرام سعدیشا استقلال نامه مصر و سودان

خدمت میگردند فائز کردید و موافق را بگلی از بین برداش
سعدیشا از صیم قلب یک آدم مصری است، و آنها نون
زمان عمل شدن استقلال تامه مصر پدست او آمده وقوت باز
علی دراین منظور مؤبد اوست، امید میروند که کیاست و در این
وقوت اداره او در اعماقیک بعد ازین با آن قیام می‌نمایند عازم
دیده شود. اگر سعدیشا توانست که در مفاوضات با بریطانی
حسن تدبیر بکار برد و بریتانیا را وادار کند به اعتراف
استقلال مصر، همانا که در قطار رجال بزرگ مشرق زمین بشنید
آمده از خوشبخت ترین آنان خواهد بود
ما که برای جناب سعد پاشا توفیق دائمی نیازی نداشتی
در عین زمان می‌بینم که یک دولت بسیار بزرگ محبل و مشغول
به دسائی و فریب طرف مقابل اوست و اعتراف می‌نمایند
اشکالات بزرگ که در راه مفاوضات او طایبین دولت موجود
و نظر به اعمال بزرگ و فدایکاریها و خوبی‌زیباییک لازم است
برای وادار ساختن اروپا نیزم که اعتراف کنند به حقوق
و تصدیق نمایند استقلال مارا، طوریکه می‌باید احساس
کنیم سنگینی این مار بزرگ را که سعدیشا بردوش خود را
اند و تاریخ و تمام دنیا و مخصوصاً ملت مصر متوجهها او
و انتظار دارند که جه می‌شود. ما که میدانیم فشار این بار وعظی
آن را، باز هم بین وائق داریم که حق و حقیقت واحد
و مترف و قوای معنویه فوق تمام قوای مادیه است که اع
و استناد فاسدین اجنبی برآن است و حتمی است که حق
وروشنی بر تاریکی غالب آید بناء علیه پایستی هشتمه مضریه
خواهش تمام بشود. و نیاز می‌نمایم که الله تعالیٰ بزودی
کامیابی را حقق سازد، تا برادران مصری ما ذر تزدیک
اوقات حریت کامل و استقلال تام خودها را نائل واز نم
آن متعنم کردد.

بيانہ جامعہ اسلامیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(قال الله تعالى واعتصموا بحبل الله جمماً ولا فرقوا)
(متمسك شويد بحبل الله الملتين كـ قرآن مجید وشرع ا)
پاشد واحذف نکنید در نسخه کـ قرآن)

در این آیه مبارک دو زکایف منتقل بر کلیه مسلمین
شده اند و حسنه اتفاق را درین دنیا نیز کشیده اند

حرمت، فرق و اختلاف آنها
نمیک و احترام فرآن مجید مرا اب دارد بی پرسیدن
آن — دوم قرائت آن — سوم فرموده بآن — چهار

بردن بان و پیغم جمیع اسلام خدمتیه ای را علیه مسلمین و
افراد بشر زیرا که قرآن مجید کتاب هدایت نوع بشر است
(انا ارسلنایک للناس کافه)

مازرا برای هدایت جمیع صردم فرستادم

این آیه مبارکه دلیل و جوب تبلیغ است که علمای علت اسلام‌گزین ما تبلیغ نمایند و اجتماع مسلمین در تعلیم قرآن واجب و اختلاف آنها حرام و زک این امر و هی اسروره از

معاصی پیوسته است .

نظر پوچشیت دیدا در اعصار اذشته رؤسای اسلام در سایه
سیاست اسلام شصده سال حائز مقدرات اکثر مالک علم بوده
اند و احکام اسلام در قلم رو سلطنت های اسلامی جاری بوده
قواین شد قرآن وجود نداشت
آری در آن قرون فاسق و فاجر و مخالف احکام اسلام بود
ولی عام آنها فسق و آدفر و شخصی بود که عقی توائیت ناموس
اسلام را منتل و رخنه نمایند و چون سلاطین اسلامی ان اعصار
در سایه اسلام عملکرد را اداره میکردند علمای هم قهراء هشان
را پیشتر معروف بباب عبادت می نمودند
ولی در آن دوره منحوسه و قرن مشئوم که اجانب مالک

اسلامی را از طمینه قطعه کرده و مداخلات در امور مالک اسلامی
و نفعیش و سهل از نگاری دارید.

می‌گامشد و از طرف هم فواینین امان بی مطابقه در ملکت استادی
آنچه نهاده اند اعداء دین تکلف ختم گانست ا

جزئی سده و چهاردهم اسلامی و متوسطه در دوره ما، کفر قانونی بدل
معاصی، شخصه اذوار قبل در دوره ما، کفر قانونی بدل

آیا زرور و اقتصادما در ظلال سعادت اشتمال قرآن مجید داشت
لایف است.

باللُّجُبِ كَهُنُوزِ قِيَافَةِ مَا مُتَدَبِّرِنْ تَفَسِيرِ سِبَعَا بِحُجُودِ بَدَادِهِ

داین عصر مثنوم را که مفهادرجه ذات اسلامی است با خود
از پاک شدن و تقدیر دین طبیعه دین اسلام از پا

عادرت واحد و مستحجه فرآنگ نکذاشته ایم و نهی خواهم هم
نهانی در عصر حاضره پیروی المحیل و رزک مسلط فرانگی است

لکه من جب لا بد ری تایید کفر و ندیل اسلام است
پذیراً می‌گردیم از این ادعای حقیقتی خود پس از این
آنکه از این دعویی می‌توانیم بجهالت آنها مطلع شویم

از مردانش نایخودود جین این اسلام و حنین قران فضای
لار کانان غافل

امام به این شکل
امدود را بر گرده است و هنوز ما مسلمان با حواب نرانی
و سفا و مرده و نشیع جنایز دارد.

در غیر کارنیهای اینج، و نوده شعاع هدایت ربوی و لواز

کبیر محمدی س کفر آن مجید است در صندوق خانما مستور مابد

مند پشین صدر اول و مسلمین فرن حبیل جین
است و بکی از آن که عبادت است معمول به ما شده و هفت دی

اطهار میدارد — اسلام هم احکام را دارد و میگیرد — آن متزوج و میمچور است
عازم از این راه میگردد — خانه ها و دکار کن کتاب

فرزند و فرزند مسلمان شده که احکام قرآن در سرچشیدی و حربی و اجتماعی و اقتصادی و حقوقی هم اس-

منازه ها و مساجد و میدانها و بنای وادارات و وواید جاری دین

آیا نمیدانیم همان دلیل شرعی که مارا اصر ماتیان عبادات
کرده همان دلیل بعینها مارا اصر کرده که بهفت دیگر آن هم
سامی و جاند ماشیم .

ایا نیدام که مک بام و دو هوا را عجوزه ها هم باطل و غلط
نیدانند و ماجر اصحیح بدایم
ایا هؤن به بعض و کافر به بعض دلیل ضر عی دارد .
ایا نباید بدایم که اثیان بیهادت مددوح خدا و ترک احکام
دیگر معلوم و مذموم خدا است .

از بدجهات اویله اسلام است که آیان یعبادت مستحق
مثواب اخروی و تارک آنها کافر است ولی به تخریب سین اخیره
مشاهده کردیم که بوسائل عبادات جلوگیری از حلالات و مداخلات
و تهدیبات دین و دینوی احانت شوالیستیم

ا آنون بواسطه شرافت اسلامی و افتخار بیرق هویت
محمدی (ص) و صفات کاهداری فصل هیزسلطنت اسلامی خود
مان از شخص دو سلطنت و برق های رسمی روی زمین واقعه
برهان براسلامیت رسمی خودمان (یعنی با بن دلیل ما مسلمایم)
لا علاج باید اصرور از شئونات هفت کاه باب سیاست قرآن مجید
را ضمیمه باب عبارات به نام ایم تابدرجه علوسیادت اسلامی خود
ناهیل کردیم و فصل هیز را حفظ کنیم هات نحیب و مظلوم نعلیم
شود و اسهل طریق آن این است

﴿ اخلاقیات ﴾

(اعتبارات)

بِقَلْمِ جَنَابِ الْحَمْرَمِ آقَائِي عَلَى مُحَمَّدِ خَانِ
رَئِيسِ كُلِّ بَدْرِيَّاتِ وَزَارَتِ مَعَارِفِ

ماعونما خصایل و اطوار عمومیه شخصی را ایجاد باعثیاد
بر و زوجه می کنیم بین لحاظ اکر شخصی را یک لگه اعیانیاد
نویم از حقیقت استبعاد نمکرده خواهیم بود.

فرضی بفرمایید اکر شخصی در تمام طول حیات خود مجبو
ری از آهن بکردن وزو لاه از فولاد در باداشته ناشد اما هر
آن برخاستن از جامه خواب در مرض تکلیف نخواهد بود
جهون بخواب برود یک جهان سنتگینی بار و هاون بدن احمد
و احمد ترد ؟ بعلاوه جهون مدام حیات نمی تواند از زیر اع
آن آن تخلیص کریان کند و نفسی براحت باراد آیا
تفان نخواهد نمود و خودش را از بد بخت ترین مخلوقات محس
ن و اهد فرمود ۹

فلهذاك ميكو نجم اين تصريح و تكليف که از زنجير که
زوغانه با احداث می شود مقابل قیچی و غیر بخوبی از اعتبار
سان ها نسبت کرانی کوه و سینک رکاه را دارا و در می
ابل کفه زنجير وزوغانه پاموا میشود .

اعیادات با خیل سهوت و آسان تحصیل می نوایند
خصوص اعیادات رقبه که بازدگ میل خاطر بسرعت بر قدر
نوذ می کنند و هر چند در اوائل حال خیل حزوی و امراء
متق به نظر میخورند مکر ترمک زمک اسما را بطم

من کوب اقتدار خویش میدارند و بقیه اینها زنجیر خود میکردند
که باز رهایی از آنها محال نمیشد و تصور آزادی و هم و خال
هر شخصی باستحصال واستیعاب بعضی از اعتیادات بخوبی
آن و بتصاحب یک مسلک مخصوصه جهت تدویر و تبدیل امور از
ازمه خود مقاوره، این اعتیادات خوب باشند یا خراب در آخر
جزوی از وجودش گردیده حکم طبیعت نانویه را برایش میکرند
در واقع که میتواند انتشار گند شخص پیریک شصت سال
عمر خودش را بر سریل توانی در پیش اجاع کهن خانه خود
پسر آورده اندک تغییر در احوال خویش مسلک نمیباشد
رانقال را از آنجایی بجای دیگر (لومسترنتر و باهضاتر باشد
دیگر و نمیشمارد). آری کم کسی خواهد بود که قصه آن شب
محبوس باستیل را تخریب کند که چون بعد از اعتصابی مدر
منبه حبس از حبس برآوردند بعجز رجا میکرد که باز باستیل
عدن دهنده و داغ مفارقت اوون جای مطبوع را برداشتند
زیرا در طول مدت حبس مانطابق محیط خود ب نوعی از جبار
اعتیاد کرده بود و به نظره معلم و کدورت فزای حبس چند روز
خوکر شده که دوری از آنجارا مایه فلاک و نخت محیط آخر
امرار حیات نمودن را محض هلاکت میدانست.

امرار حیات نمودن را محض هلاکت میدانست .
کذاک بسیاری از اشخاص چهل ساله پنجاه ساله را می بیند
که از بعضی اعتیادات خود شان شاکی آند و از تلم و تکبد
روجیه خویش نسبت باعتیادات منزبوره حاکی ولی با وجود
آن شکایت و عدم رضایت از نفوذ همچو عادات غیرتوانش نبیند
جویند وجاده آزادی و خلاصی پویند بلکه جسارت هم
آنها می ازواشان مسلوب می شود و جرأت برایشان باقی نباشد
هر شخص اعتیادات خصیصه برای خود استحصال کردنیست
و هم که باید کردنی باشد چه شخصی که از خود اعتیاد مخصوص
نمایند در قاطبه امور اعتیادات دیگر از اتفاق و نقیب می کنند
خلی دنی و فرمایه یک شخصیت پس در صورتی که آنها
بلوی اعتیادات متهم و عجبوریست جهد باید کرد اعتیادات این
تصاحب نموده اند ذاکرها مفید بوده روزهای حیات را مسدده
سازد و ملک خود را در نظرها محمود و در زندگی میسرت افزایش
و بعد مرگ مخدوت زاد .

مامیدايم از توپهای کشیده هر یک را پیکها کرده ما
در انتخاب یکتوب آن برای خود مختار سازند باشک عالم غنه
دوف نوچارا ده من به نه و بالا کرده هزار الله و اسم الله بتر
و فشک زین آنها را ماعتبار رنگ و جنس انتخاب پیکنیم کذال
ا که بخار برای اتخاذ یکی از آلات بخاریش و ادار کنم
نمایند او اول هتر تله که نیاشد بدست آرد از اینجا بوضاحت

نایاب نباید قرآن را میزادرات باشد یعنی احکام سیاسی قرآن
عنوان دینی - بدین طریق که خدا و یقین و امام فرموده
عمری کردد (ابن عنوان میتواند حافظ فصل عیز اسلامیت
جامعه اسلام کردد والا با اوضاع آنونی دنیا اسلام از ماحصل
سلب خواهد داشت

نانا ایران مستقل (وَكذا افغان مستقل) برای کسب
شرافت حسب و لسب خود باید اقدام کند تازیان هریم را
که اتموا کل الم محتاج الیه مشترک است زبان هموسی
وین الملک نموده و اکر ایرانیان اصره در کسب این شرافت
تقدم جویند البته ملل اسلامیه عموماً مساعدت و همراهی با آن
خواهند نمود و بلکه ملل غیر اسلامی هم (از نظر علمی)
با آن معاهدت خواهند کرد و جامعه اسلامیه برای این مقصود
حتی الامکان میگوشد

ربما احیاء مراسم دینی و ترویج شعار اسلامی از اهم
وظایف اصره است و اسهله طریق آن عبادات می باشد که

جیفه (۱)

(امان افغان - سال چهارم)

(شماره ۴۲ ، ۴۴)

(زنجه از الاخبار - مصری)
 (اصلاح و تدبیر جنابتکاران در آلمان)

نظریه فلسفه جرمی در خصوص جلس مخبرین افسن که « مدرسه هزارا برگشید بندی خانها خالی می شود مخبرین را در توپق خانها مثل عوام از تعامل و تدبیر بی همه نگذارد تا که بعد از رها شدن ایشان از عبیس عقب جرام نگردیده باز آن عمل سابق خود را اعاده نکنند ».

بهین سبب است که بندی خانهای جرمی یک نوع مکتب خانها شمرده می شود که عوض ایسکو مخبرین را بفرض قابل جرام عذاب های جسمانی از قبیل زواله و زنجیر کردن و مصادر افعال و حتی اینه است که شخص مجرم شدن ، تنبیه کنند رای اصلاح اخلاق و ازاله ماده مباردت به جنایات اقدام بعملیات فاسی یعنی تعلیم و تدبیر مینمایند — والبته این طریقه و سلوک از روبه های معموله ظالمانه مستبدانه خیل خوب و مطابق فطرت انسانی است

این مسلم است و بخوبی مانصدیق کرده مینتوانیم که انسان آقدر که از احساس نعلم و شرافت خود متناد شده از این کتاب جرام جلو کشی می شود از تعذیب و تغیر نخواهد شد همین جزو سبب شده که آلمان ها قید خانهای خود را به بقیون و به تربیق منظم کرده اند تا جنابتکاران از خوف حکومت نی ابلک بدی جرم راحس کرده منتظر شوند و دیگر تعقیب اعمال و افعال قبیحه ساخته را نموده مرتکب جرام نشوند

قید خانه (هابرک) یعنی از نیکو زین توزیت کاه های هوی محسوب می شود

در قید خانه مذکور (۵۰۰) قسم کار مقرر کرده اند که مخبرین ها در اختبار کردن ازان ها مختارند . آن کار ها و عملیات علاوه بر خفت جسمانی رای اصلاح ذهنی و روحی هم خیل قایده هستند میناشند بلکه عملیات علمی و فنی نیز درین بیان می آموزانند تا بینکه مخبرین توپق جرم خود را حس کرده بعداز رهادن یک نزدکانی شهری بسیار خوبی امور حیات بینمایند علاوه بر عملیات جسمی و تعلیمات روسی ، اخلاقی ، علمی و فنی آن هارا ایس های خوب پوشانیده اطاق های نظافت پیدا نمایند تا که بعد از رها شدن ایشان از توپق خانها دوست از مردمانه آن ها (کعلم و عملکی) باشد استفاده کرده علایی برای دولت خودش و هیئت اجتماعی تولید شود حتی اینکه در عبیس ها برای غرع طبیعت مخبرین فعال باشد ، زینما ، موسیقی و غیره اسباب طرب مینماید از . رای خواندن نوشتن خواب کردن نشست استراحت کردن اقسام اسباب محمدیک شیخ من

و امداد نویسیه نماید — آنکه هر همچو زمامداریک جمعیت عالیه اش لسبت پیشتر و قوته نخوبیه اش زیاد راست نیز هندر جامعه ای اینجا همچو و انجاز همچو ضوابط عرض همچو ریت میورزد تا زمامداری یک قوم و یک ملت بر سر انکاه ایجادهات دیگر تولید میشوند طبیعت خود غرود کار از پیش همیزد — اما همچو زمامدار جو نکه زمامداری بزرگ را تحمل میکند . لاید صریح و نهاداً مهام عظیمه و امور خطیره و محافظه حدود و تقویر و کفیل و دخیل اعلام همچو ریت میشوند . درینه پهناور افغانستان مینوشنان ازتابش افتاب سلطنت سنه امنیه کا از مطلع استقلال و حریت طلوع کرده خوشبختانه کانهای امکن باساط امنیه و آرامی کشیده شده شاعر حسن و فلق و رابطه اصحاب و اتفاق سر تامر آقا قارابیشی باشی استیعاب کرده فوق العاده راه موافقت باز و لامش خلت و اصطلفا در اهتزاز میناشند باز هم وقتاً اینجرا جهات و نادانی انکباب پذیرفته فضای دماغ بعض ارباب دماغ رانیه و قار ساخته بلالغیر حال باعث بک واسطه می شود که یکی بعلیه دیگری بجای حیات نجاوز بکند . متناسبه این حالات قیمتی از بخوبی ایشان زمان یاد نموده اعتماد نکرده اند و معاشر خود را این اشخاص ذمہ دار ظهور می کنند . حقیقت این حال علی الامر از هنر نادانی وجود می آید — درینصورت ایجادهات مذکوره بالمره اقوف پذیرفته از هم متفرق می کنند واقعاً اصلاح این امور از خصائص مفیده علمیه است که این شخص مطلع حالت بضم و عمل منطبق کرده اند مدعیت را تایی کرده لحظه باز نشینند تا جریان معامله را موافق یقانی و مقررات طبیعه از هر حقیقت و هر جرمیه که باشد مطابق اصول حاریه ایغا بکند و نسبت بشنوون نمکنند ترقیات جامعه بشریت و ملل و ملت اقصی الفایه اینماک بورزد میلاً جون انسان در خور اسعاف هر اسری است مینتواند از راه تصفیه و استكمال بشواهد و بلندیم — ا Creed میگذرد و در جوار اجرام فلکیه بلکه بالاز از آن اقیام ورزد ، آنکه انسان از راه جدوجهد بسیار شایسته آیست که با کره های قر و آفتاب راه مخابره باز نماید مخلعاً بالطبع بوار آید چه ها کنند و چه ایجاد شوند و جون انسان نسبت به هم اشیاء جبله دارای یک تفوق مخصوصه ایست که بهین مجهت از سازن نمایز میکند بنابرین دیناً و وجданاً مازم است که بر تمام وظایف خلیفه کی اعمال نموده بجز ای طبیعت را بر محور اصلی ندوبردهد و بندشات و مخدوراتی را که از پیش راهش باید پیشاند ،

وقتاً خلاف انسانیه وظیفه زمامداریت یک عالیه را تشکیل میکند این زمامداری که درین افراد عالیه با سوچ تامه حکمرانی میناشد مکلف است مینشکدر افراد عالیه ضوابط عدل و انصباط را نماین نماید و از راه حکمت عملی اخلاق و حسن عادت را از همایشات خارجی رفع کرده جمعیت عالیه را به محبت و وداد رویکاری شریف (وعلم ادم لاسماء کلها) تزئین فطرت و بخلاق جایل

(آن جعلناک فی الارض خلیفه) نمود — تا به استیعاب و استیغای همه مهمنات بر حسب قول این مقدسه سیاوه و مراتب حسن مدینه میباشد و روزی ده اسما بیانیت نماید و بعبارت اخیر فریضه خویش را چنانچه میباشد در در معرض اصرام کذارد .

ازین بلکه بخوبی همیشدا و اشکاراً آشت که انسان از حیث فطرت مانند سیاه با کل و بلع هد کرنی بلکه بالکس با شرحت صرحت و صریح وظیفه عدویت و برب البریت و اعمال امور دینه و شنوون حیاتیه و مذهبیه و اشرض و ابطو و این انسانیه مامور و شاهین حسن معاشرت و خوبی زیست وزندگانی مکلف و مجبور است .

این مجبوریت من حیث الوقت و زمان بعیر میشود به آصمیم حالات ترقی جمعیت بشریه و انداد عارضات و فساد ایشان و قضا فسقناً به لسبت اخلال جامعه بشریه مهتماً و متوجه میشوند تا این تلویات تراش و نمای حقیقی و مدارس عادت تحقیق افراد جامده بوده علم انسایت را منتفع سازد چون غایت انسان به خلیفه مذیج کرده فلام جرمیان یک نیز کسب مجبوریت می نماید که ضامن حسن انصرام و کافل فقط ابروی آن بوده بیک ذره اهال نیابد نادر مآل مورد مواد خذمه نکرده از محولات طبیعی و وجودی وارسته باشد

ذاتاً صاد از خلافت و وظیفه آن همین است که انسان تا اقصی و اندی ای حالات ندریجی احکام و عادات و ضوابط و قواعد مذیت را تایی کرده لحظه باز نشینند تا جریان معامله را موافق یقانی و مقررات طبیعه از هر حقیقت و هر جرمیه که باشد مطابق اصول حاریه ایغا بکند و نسبت بشنوون نمکنند ترقیات جامعه بشریت و ملل و ملت اقصی الفایه اینماک بورزد میلاً جون انسان در

خور اسعاف هر اسری است مینتواند از راه تصفیه و استكمال بشواهد و بلندیم — ا Creed میگذرد و در جوار اجرام فلکیه بلکه بالاز از آن اقیام ورزد ، آنکه انسان از راه جدوجهد بسیار شایسته آیست که با کره های قر و آفتاب راه مخابره باز نماید مخلعاً بالطبع بوار آید چه ها کنند و چه ایجاد شوند و جون انسان نسبت به هم اشیاء جبله دارای یک تفوق مخصوصه ایست که بهین مجهت از سازن نمایز میکند بنابرین دیناً و وجداناً مازم است که بر تمام وظایف خلیفه کی اعمال نموده بجز ای طبیعت را بر محور اصلی ندوبردهد و بندشات و مخدوراتی را که از پیش راهش باید پیشاند ،

و حقیقت اینها بوج و شواعر در نور دیم و باین میشود وابدیاً نمینتوانیم این زودیها آن شواعق و شواعر را در نور دیم و باین انسانی از غایت ایجاد انسان که مقصود همایشی ما است خبری آیم . عنصر : اکرچه این تخلیق معلم با غرض بسیار عالی و غایی از مصالح و غایانی هم نی ! لا جرم انسان در وهم اویلی بنشریف شریف (وعلم ادم لاسماء کلها) تزئین فطرت و بخلاق جایل

آیا کنکه ذخائر نفسیه آن مقدمین بر این کذاشنه اند و امروز ما از آنها استفاده هم کنیم و با این ترقیات و اندکشافت جدیده که در عالم ساینس بوجود آمده چیستند و زاده بکشند فقط تحمل زحمت و بذل سی و غیرت است که این هم چیزها را تکونی میکند و از خلوت بخوبی می آرد .

تصور بفرماید اکر شخیعی روزانه بقدر سه ساعت پیاده رفتار کشید در هفت سال یک مسافه مساوی بجیت کرده ارض را طی میکند یا ماجب از حمایت چه برقوت یک مخلوق است و چه با اقتدار یک حاکم باجبروت .

رخلاف رای انسان مستملک تراز بطال و نبلی عادتی نیست که بخیل سهوت و عدم رحمت در طبیعت راسخ کرده بدهیج کوه از ان زایل نمی شود . اشخاص نبل و عاطل نسبت بساز اشخاص مصیبت زده بیشتر قابل رحم و تأسفند چه از قرار بسک میکوئند در جنون مسارت است که تنها خود بخون می تواند درک کند کذاشنه در نبلی و عاطل مصیبت و نکبت هایی است که فقط خود شخص نبل و عاطل می تواند فرم میگیرد .

اشخاص عینی و سایع نسبت باش خاص نبل و عاطل پیشتر فراغت میدارند چه مواقیت آنها منظوماً منقسم و هر قسم از برای کاری معین است بسیار از کار منبوری بردازند فراغتی بلکه میباشد تا اینها اینها را اینجا فرسود کی احتجوا نقد از لذت فراغت بعد کارشان محروم میدارند . (بق دارد) غایت ایجاد انسان

بعض تشویق ایسای وطن بنوشن درج شد

وقتاً که سرش و طینت اینها بوج احکام نافذه اولی در معرض تحییر و تکونی پذیرفته شد این یک ایجادهات بده و قضایای مسلمه بود که انسان روح نامبه خویش را از وسیع تری کرده اکرم و اشرف نمکنات تلقی شود و لاظر باز این احتجاق برتری و مزیت نماید و زمام خلافت بد و نولیه شد . اینت بار عرض احترام و استعظام شود اکرم باحقیقت و ادراک عالی و غایی آن پردازم و از غواصی و خیلی ای آن بحث برایم باعین اشواک و هوای جس رمیخوریم که مخدور تسبیحات و توضیحات میشود وابدیاً نمینتوانیم این زودیها آن شواعق و شواعر را در نور دیم و باین انسانی از غایت ایجاد انسان که مقصود همایشی ما است خبری آیم . عنصر : اکرچه این تخلیق معلم با غرض ایشان دارد

مریجی از احکام و مقررات حکومت را تصمیم کوفته اند چندی در (پایگ رزو) که حکومت اجتماع آنها را به آنجا منع قرار داده بود دسته دسته از فدا کاران آنها آمده و جسی می شدند تا که حکومت از اقدام آنها به شک امداد جلو آنها را کشاند بعد به دور یک جاه که آنها تجمع شدن آنها منوع بود می آمدند و جسی می شدند . از مدتی است در (جیتو) که رود شان آنجا نیز منع است دسته دسته از فدا کاران اکالی میروند و جسی می شوند . در این هفته یک دسته بزر کی مركب از بالصد نفر به (جیتو) روان شدند در موقع ورود بولیس حکومت تابه آنها را منع نمود ولی ۱ کالیها قبول نکرده به رفق دوام ور زیده اند بالآخره مشین کن ها بر آنها فیر آرده مع ذالک از تصمیم خود بازنگشته اند . (۱۲) نفر اکالی کشته و عده متروح شده اند و اشخاص مباری از آنها را که درین دا کتر چکلوایدر مشهور کچندماه قبل از جسی رهائده بود نیز می باشد حکومت جسی نموده است .

(تنزل فرانک فرانسه)

فرانک فرانسه هر روزه تنزل میکند و اوضاع اقتصادی فرانسه، روبه خرابی کشاده ازین سبب در مردم یک نوع هیجان پیدا شده و از حکومت اظهار عدم رضایت دارد . می کویند که اگر ازین تنزل فاحش فرانک جلو کیری نشود مثل المان در فرانسه هرج و مرج ظهور خواهد کرد .

شهری تروریستی را نیمه کرده اند . تاجرم عوض احساس ذات احساس هفت کرد که شخص عادی بشود در محیس ها شخص محبوس از افرادی خود جدا می شود لا کن در قید خانه ها میرکنند مقابل محبوس عکس های اقوامش را نصب میکنند که هر کاه از مطالعه کتاب و نیمیات و عملیات فراغت حاصل کنند غریب نشده از تصاویر آن ها دلخوش کنند محبوسین توهیف خانه موصوف در خواندن و بوشتن بکار آزادند هر قسم کتاب علمی و کافی تحریجی را همراه میگردند هر وقت بخواهد خوانده میتواند ۱ کرچه تایپ و قلم مخالفین برعلیه این عقیده دلایل زیاد اقامه میکردد اما الاخره از تحریرات بسیار معلوم شد که این طریق خبیث قامیانی ها حاصل شده است . (محمد حسن عمر اداره)

چوک خارج

سباست ز کیه

خبر تائیں مقیم اسلام بول اطلاع میدهد که کمال باشا در آخر این هفته از ازmir مراجعت میکند از قرار هذ کور مشار الیه چنقریب نطق دایر به سیاست داخلی و خارجی خود ابراد خواهد کرد اهمیت این نطق خیلی است زیرا حزب هی نه اساسن و نه پرو کرامت معلوم میباشد رئیس جمهور در اطیق خود بعضی سوه فاهمانی که مردم دارند رفع خواهد نمود ساوت روس و زابون

اختلاف نظر بین ساوت روسی و زابون مشغول پیشرفت کردن است حکومت ساوت بزابون اطلاع داده است که وضعیات داخلی روسیه رو به استحکام کشاده در صورتیکه وضعیات زابون خراب است . باین علت حکومت روسیه خیال ندارد راجع اختلافات بازابون مذاکره کند بلکه منتظر است تا وضعیت کاملانه باروسیه موافقت کند

و نیز چونسل زابون در (ولادیوستوک) اطلاع داده شده است که وجود او و سایر ما مورین روسی زابون در خاک ساوت محل میل روسیه نیست و اآنها تقاضا شده است که روند روابط روسیه و زابون خیلی سخت شده است و حکومت ساوت و عده مساعدت بزرگه رده کان داده است پشرط اینکه اعماق سو سلط خود ما مورین روسی تقيیم شود . زابون هم قبول نکرده و امرداده است کشتهای اعماق روسیه مراجعت کنند حکومت ساوت هم کتبه اعماق را متصل کرده است

(کوله باری ماشین آنها برآ کالیها)

فرقه اکالی که یک فرقه با جسارت قوم سک است از مدتی است که بوجه معزول کردن حکومت هند راجه (تابه) را

از طرف شرکت برادران افغان

برادران شرکت برادران افغان مقدار زیادی (کلاه باتون) سچه زشنامه بسیار نفیس و اعلا - جرم‌های بزی - چوم های کلان کله - جرم بلغار موجود است و به قیمت بیمار اداران معرفی شده هر کن میل دارد بد کان شرکت رجوع کنند که مالهای هذل (تو) بخیل عده و ارزان است و بزودی هام خواهد شد (اخطار اداری)

حضرات مشترکین عتمد !

عامش و قیمت اشتراک جربده از طرف اکثر مشترکین رسیده بلکه بر ذمہ بعض حضرات بزرگ دو ساله و سه ساله قیمت مانده امید میروند که بزودی و چه اشتراک ذمہ کی خود هارا برسانند و بیشتر ازین تسامیع و انتساب نکنند .